

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

مبارزه را گسترده تر سازید!

(نگاهی به مبارزه پیروزمند ساکنین خارج از محدوده تهران)

دولت سرانجام پس از کشتن و زخمی کردن عده‌ای از ساکنین خارج از محدوده تهران، ویران کردن تعدادی خانه ساخته شده ویا نیمه ساز، به آتش کشیدن

چین به سیاست تخریبی و ضد صلح خود ادامه می‌دهد

راه صرف‌میشود) تأکید کرد. موافق آمار سازمان ملل متحد هزینه های نظامی جمهوری توده ای چین در سال ۱۹۷۶ به ۲۱ میلیارد دلار رسید. در این کشور تدارک برای جنگ بهای یکی از مهمترین رهنمودهای کشوره خط مشی عمده سیاست چین تأیید گردید. رهبری کنونی چین از سیاست شونیستی عظمت طلبانه مانوئیستی و سیاست ضد صلح و سوسیالیسم عقب نشینی نکرده، بلکه جواب مختلط این سیاست را تشدید میکند و تلاش دارد در زیر پرده شعار های جانی ویننداری لزوم مبارزه علیه «سلطه جویی (هژمونیزم) شوروی» خط مشی توطئه گرانه و زدوبند خود را با ارتجاع تریت محافل امپریالیستی و جنگ طلب توجیه کند.

تشریک مساعی و همکاری رهبری چین با نیرو های امپریالیستی برای صلح و همه خفلهای جهان خطر بزرگی در بر دارد و درست به همین دلیل «نیروهای ارتجاعی با تب و تاب میکوشند از این خط مشی چین حد اکثر استفاده را بنمایند». سیاست پکن مواضع این نیروها را در خرابکاری علیه تشنج زدانی و امر صلح تقویت میکند. این نیروها با رهبری چین ائتلاف میکنند تا در اقدامات علیه اتحاد شوروی «جامه کشور های سوسیالیستی و بطور کلی مبارزه طبقاتی بقیه های جهانی به کامیابیهای برسند. پکن بنوعی خود این نیروها را در تشدید سابقه تسلیحاتی» تخریب در روند تشنج زدانی تحریک و تشویق میکند. میان این نیروها و رهبری پکن وضعی پدید آمده که هر یک از طرفین طرف دیگری را به بیرون کشیدن شاه بلوط از آتش تهییج میکند. رهبری چین با پیش کشیدن نظریات مجعول از قبیل «سیاست توسعه طلبانه شوروی» و غیره، مسئولیت تخریب در سیاست تشنج زدانی و عناد و مقاومت در زمینه قطع سابقه تسلیحاتی و جلع سلاح را از گردن محافل امپریالیستی و رژیمهای ضد خلقی وابسته به امپریالیسم ساقط و بدین ترتیب عملاً از اقدامات ارتجاعیترین محافل امپریالیستی آمریکا در زمینه ساختن سیستم های جدید و خطرناک تر تسلیحات پشتیبانی میکند.

در خود چین کوشش میشود که بر ذخایر تسلیحات هسته‌ای و موشکی افزوده شود. رهبری کنونی چین در د کترین نظامی چین تغییراتی داده که ماهیت آن تقویت جنبه تعرضی تسلیحات و استراتژی نظامی است. در آغاز سال جاری کریکن با شرکت فرماندهان ارتش و رهبران مؤسسات صنایع نظامی کنفرانسهایی تشکیل گردید. در این کنفرانسه وظایف مربوط به آمادگی نیروهای مسلح چین برای عملیات تعرضی و تسریع آهنگ تهیه تسلیحات تعرضی از آنجمله سلاح اتومی و موشکی مطرح گردید. نهم ماه اوت سال جاری هوا گوف اعلام کرد: «بدون تردید ما باید برای جنگ آماده شویم. فرصت را نباید از دست داد. زمان میگردد».

رهبری پکن که دیر زمانی است موضع طبقاتی را در ارزیابی نیروها در عرصه جهانی ترك گفته، در سالهای اخیر سیاست همکاری با همه نیروهای ارتجاعی و متجاوز علیه کشورهای سوسیالیستی را علناً به مورد اجرا میگذازد. لیدرهای پکن میکوشند برپایه خصومت با سوسیالیسم موجود روابط خود را با ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی غربی و ژاپن توسعه دهند. محافل ارتجاعی و جنگ طلب این کشورها را به عقیم گذاردن سیاست تشنج زدانی و تشدید عناد و ستیزه جویی نسبت به کشورهای سوسیالیستی ترغیب و تحریک میکنند.

دنباله در صفحه ۲

تحرك و نیروی فزاینده سوسیالیسم و گسترش برض صلح آن در اتحاد با جنبش کارگری جهانی های رهائی بخش ملی و همه نیروها و محافل صلح و علامندان به سرنوشت جامعه انسانی و و تنگنا های بحرانی که در مجموعه اقتصاد داری هر روز بشکلی متجلی میگردد از سوی ارتجاع امپریالیستی را دچار سراسیمگی ساخته امپریالیسم جهانی برای حفظ مواضع موجود و تلاش عبث برای بازگرداندن مواضع از دست نشت اقدامات تحریک آمیز خود علیه کشورهای سنی جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و ای رهائی بخش ملی در قاره های مختلف میافزاید، ست صلح جامعه کشورهای سوسیالیستی و عده آن اتحاد شوروی و در راه جلوگیری از مسابقه ی و روند تشنج زدانی و تثبیت موازین همزیستی آمیز در روابط میان کشور های دارای نظامهای متفاوت به خرابکاری می پردازد. در این کارزار رهبری مانوئیستی چین بهم پیوندی خود باجبهه صلح و سوسیالیسم ادامه میدهد. سیاست رهبری شکارا علیه کشور های سوسیالیستی جنبش کمونیستی و جنبش های رهائی بخش ملی در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مطوفیاست. ست با مواضع سلیخته ترین محافل ارتجاع امپریا لیزاد موضع ضد کمونیستی و ضد شوروی طبایقت دارد و به مهمترین نیروی سیاسی ذخیره سم و ارتجاع جهانی تبدیل شده است.

صحت ارزیابی ماهیت مانوئیسم و مواضع ایدئولوژیک آن که از جانب احزاب برادر کمونیستی مد، همچنان به اعتبار خود باقیست. مانوئیسم رفتندی های عالم مارکسیسم لنینیسم را تحریف جریانی است بنفع ارتجاع و امپریالیسم جهانی ضد کشور های سوسیالیستی. جنبش جهانی تی و جنبش رهائی بخش ملی.

در اکتبر سال ۱۹۷۶ پس از در گذشت دون رهبری جدید محور اصلی سیاست خارجی مبارزه علیه سلطه جویی (هژمونیزم) ابر ا که در قاره اوس مانوئیستی یعنی اتحاد شوروی یونیس معاصر که طبق همان قلموس جنبش کمونیستی است اعلام کرد.

یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین که هم تا هجده هم اوت در پکن برگزار بود رهبری کنونی چین را نه تنها نسبت به نقش مانوئکه دون بلکه همچنین به اندیشه شوروی مانوئیستی اعلام وتأیید کرد. در اسناد در زمینه خط مشی سیاست خارجی چین مبارزه ماد شوروی به مبارزه علیه ایالات متحده آمریکا اده شده است. در این اسناد ایالات متحده به تنها بشاره «خطر کنگره» بلکه حتی مانند «متحد ارزیابی شده است. در صورتیکه در استاد کنگره (۱۹۷۱) در این فرمول بندی مبارزه علیه ایالات آمریکا به مبارزه علیه شوروی تقدم دارد. سراسر گره یازده هم باروخ ضد کمونیستی و ضد جریات داشت. هوا گوف در گزارش خود گره سیاست خارجی و نظام اجتماعی شوروی را هامتنا منجر قرار داد و تاریخ منداب اتحاد و چین را تحریف شده و مجعول بیان داشت. گزارش خود همانند رهبری دوران زندگی دون تأکید نمود که جنگ جهانی جدید ناگزیر و باید برای آن آماده شد. و بدین دامه سیاست نظامی گری در چین را (که اکنون از چهل در صد کل بودجه کشور در آن

و غارت اثنایه آنان در نتیجه مقاومت جمعی و جلی ساکنین این نواحی و فشار افکار عمومی ناچار به عقب نشینی شد و ساختمان در خارج از محدوده فعلی تهران را با شرایط معینی آزاد نمود.

این «خارج از محدوده» ها که در واقع خارج از قانون قرار داشتند چه کسانی هستند و چرا در حالیکه در داخل محدوده تهران دهها میلیون مترمربع زمین بایر وجود دارد در خارج از شهر، کیلومترها دور از مراکز آموزش و بهداشت به ساختن خانه های غیر مجوز میپردازند چرا در حالیکه دولت شب و روز در باره ضرورت ایجاد مسکن و صاحب خانه کردن مردم در بوق و کرنا میمدد این افراد شبانه و پنهانی زیر نور چراغ زنبوری و دوزار دید چماق بدست های شهرداری در صدا احداث سر باهی بنام خانه مسکونی برای خود بودند؟ اینها «اکثر» زحمتکش بیکار و نیمه بیکاری هستند که برای بدست آوردن تهنه ای نان همچون سیلی سرگردان از روستاها به شهرها از شهرهای کوچکتر به شهرهای بزرگتر به خصوص به تهران سرازیر شده اند. عده کثیری از این مهاجران در نتیجه گرانی زمین و مسکن در داخل محدوده تهران (و نه فقط تهران) به امید ساختن پناهگاهی پس از سالها پس انداز قطعه زمین کوچکی در خارج از محدوده خریداری کرده و آلوده ها و کپرها و کومه های از چوب و حصیر و چوبه و حلبی در آنها ایجاد میکنند و بنام حاشیه نشین بدون آب و برق بدون مدرسه و بهداری بدون وسائل ارتباط و نقلیه در بدترین شرایط ممکن بسر میبرند. عده ای از این زحمتکش نیز پس از سالها صرغه جویی از آمد ناچیز خود به امید بهرورد شرایط مسکن در صدد ایجاد خانه ای از خشت و آجر بر میایند و اینجاست که برای جلوگیری از گسترش بی تفسه تهران برای جلوگیری از سلختمان بدون پروانه دست آهین قانون از آستین شهرداری بیرون میگذرد و همچو پتکی بر سر این عده و خانواده آنها فرود میاید. دولت که پس از سالها «مبارزه» بی ثمر با بورس بلای زمین و بورس بلای ساختمان پس از دادن هزاران وعده توخالی درباره احداث خانه های ارزاقیمت کارگری و کارمندی سازمانی و غیر سازمانی پس از اعطای سلوتمندان انواع تسهیلات مالی و فنی قانونی و غیر قانونی به سرمایه گذاران داخلی و خارجی عجز مطلق خود را در جل معضل مسکن به ثبوت رساند و برای مبارزه با این محرومان خارج از محدوده چنان شدت عملی از خود نشان داد که کار را به قتل و غارت و آتش کشاند.

دنباله در صفحه ۲

موج جدید نظامیگری

نطق اخیر شاه در دانشگاه پدافند ملی در باره اینکه ایران خود را باید برای يك «جنگ مهیته» آماده کند مانند نطق چند سال پیش او در خارك (در آغاز شروع دوره جدید سیاست نظامیگری رژیم) تهیه «زمینه روحی» است برای موج جدیدی در این سیاست ضد ملی پیروژه بمنظور خریداری تازه اسلحه هر چه بیشتر در مقابل تحویل درآمد نفت ایران از کشورهای امپریالیستی و علی الخصوص آمریکا. روزنامه «نیور یورك تایمز» در سرمقاله دهم سپتامبر ۱۹۷۷ خود عیناً چنین نوشت: «در سال مالی ۱۹۷۷ (که در ماه جزای خاتمه می یابد) ایالات متحده امریکانه میلیارد و نهصد میلیون دلار اسلحه به سراسر جهان فروخته که از آن تنها پنج میلیارد و پانصد میلیون دلار بایران فروخته شده است. این روزنامه میافزاید: «اگر دستگاه «آواکس» (یعنی سیستم کنترل و ردیابی هواپرد) نیز بایران فروخته شود این مبلغ به شش میلیارد و هفتصد میلیون دلار میرسد. این مطلبی است که در مهمترین جریده امریکا نوشته شده و با وجود آنکه ما با شیوه های بی پروای کاخ سفید و کاخ صابرقرائیه در اجرای این نوع بند و بستهای ضد بشری آشنا هستیم باز چشم از تحجب باز نمیاندازد. قریب هفت میلیارد از ده میلیارد دلار اسلحه صادراتی امریکا به سراسر جهان را تنها ایران میخرد!

مسئله فروش هفت دستگاه رادارهای پرنده «آواکس» بایران با مخالفت کنگره امریکاروبروست ولی بنابه خبر منتشره در اطلاعات (۱۷ شهریور ۱۳۵۶): «جویدی پائول سخنگوی کاخ سفید در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت باین دلیل جیمی کارتر از این معامله قویاً پشتیبانی میکند که ایران به این سیستم نیاز دارد. جویدی پائول همچنین گفت که آتمیرال ترنر رئیس سیا که زمانی مخالف این معامله بود اینک موضع خود را تغییر داده و با این معامله موافق است. با آنکه سخنگوی کاخ سفید «نیاز ایران» را مستمک قرار میدهد در همان مصاحبه مطبوعاتی کمی دربرتر میگوید: «یکی از دلایل کاخ سفید (برای فروش آواکس) موقعیت حساس استراتژی ایران از نظر جغرافیائی است. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۹ شهریور خود مطلب را روشتتر میسازد. مطابق خبری که آسوشیتد پرس پخش کرده کارتر طی بخشنامه ای «دفاع» از ایران و دوستان و متحد یب امریکا را بهمه گرفته و برای «کشور متحد خود ایران اولویت استراتژیک» قائل شده است. طبق این بخشنامه در صورت «تجاوز احتمالی بایران (!) امریکا در کنترل ایران»

دنباله در صفحه ۲

با استفاده از «دوره ارانی» مارکسیسم - لنینیسم را بیاموزید!

مربوط به درس و رهنمون آموزش که در آن معلمان توجه آموزندگان را به طرز فرا گرفتن هردس و نکات اساسی آن جلب میکنند. علاوه معلمان آماده اند به پرسشهای آموزندگان پاسخ دهند و آنان را در جریان تحصیل بطور منظم راهنمایی کنند. استفاده از «دوره ارانی» به معنی داشتن رابطه سازمانی با حزب توده ایران نیست و لذا برای همه علاقمندان ولو اینکه رابطه سازمانی با حزب توده ایران نداشته باشند آزاد است. رابطه «دوره ارانی» با آموزندگان تنها يك رابطه علمی خواهد بود.

از علاقمندان تقاضا میکنیم خود را با يك شماره پنج رقمی نامگذاری کنند و آدرس در اختیار ما بگذارند تا از آن طریق این رابطه علمی بر قرار شود. آدرس ما چنین است:

Dr. John Takman
P. B. 49 034
10028 Stockholm 49
Sweden

باین آدرس با ما مکاتبه کنید. دوره ارانی

با توجه به علاقه و شوری که مبارزان جوان ایرانی برای آشنائی با مارکسیسم - لنینیسم نشان میدهند و اهمیتی که آموزش منظم این علم برای پیشرفت جنبش انقلابی و ترقی اجتماعی کشور ما دارد هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران تصمیم گرفت دورهای برای آموزش غیابی مارکسیسم - لنینیسم تأسیس کند. این دوره که «دوره مقدماتی مارکسیسم - لنینیسم» - بنام ارانی، نامیده شده کار خود را با استقبال شصتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر از اول نوامبر ۱۹۷۷ آغاز میکند. این دوره در آغاز کار خود دیوبلر دانشجو می پذیرد: از اول نوامبر ۱۹۷۷ و از اول ژانویه ۱۹۷۸.

دوره ارانی برای دو سال در نظر گرفته شده که سال اول آن با آموزش سه واحد درسی: فلسفه، اقتصاد سیاسی و تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی آغاز میشود. در سال دوم علاوه بر اینها تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران نیز تدریس خواهد شد. شیوه تدریس عبارت است از ارسال جزوه های درسی، قطعات بر گردیده از آثار مارکس، انگلس و لنین

نظر کرده دیگر

اشرف پهلوی همراه ندیمه و یک بازو گن و یک راننده وقتی ساعت چهار بعد از نصف شب از کارنتونی با اتوموبیل رولز رویس به رویای خصوصی متعلق به شاه در جنوب فرانسه باز میگشت مورد شلیک سه نفر سر نشینان یک اتوموبیل پژو قرار گرفت ولی شخص اشرف صدمه‌ای ندید. در اظهارات اشرف که رادیوی تهران پخش کرد، خواهر توأم‌ان شاه نجات خود را نتیجه مشیت الهی و معجزه تازه‌ای بسود خانواده پهلوی خواند و گفت بعضی باز گشت بزیارت آستانه قدس و سپس کعبه معظمه نازل خواهد شد. زنی که «خواندنی‌ها» ویرا «الله فساد» نام نهاده و کمترین کارش آنست که میلیون‌ها دلار ثروت کشور مارا در کازینوهای اروپا حیف و میل میکند و زندگی او را هیچ رنگ و روشنی نمیتواند به نمونه‌ای از تقدس و پارسائی بدل ساخت، خود را منظور نظر خدا و پیغمبر و الهامات معرفتی مینماید! و افساً هم رفتن از کارنتونی قمار در سوئیس به کعبه فقط از عهده سالوسان گستاخی مانند اشرف برمی آید. روزنامه «توماتیه» و «بناسنت ایر» واقعه نوشت که میگویند حادثه سوء قصد علیه اشرف مربوط به کسانی است که در مورد قتل‌های مواد مخفیه میخواستند با اشرف «تصفیه حساب کنند». همین روزنامه مینویسد که پلیس فرانسه با بهانه قرار دادن حادثه قصد دارد بار دیگر موجبات مزاحمت دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه را فراهم آورد.

چین به سیاست تخریبی و...

پکن در مبارزه بر ضد گرایشهای مثبت و پیشرفت روند تشنج زدائی در اروپا با عناصر نفوذیست تلافی‌جو و افراترپی ترین محافل ارتجاعی اروپا روابط همکاری نزدیک برقرار میکند. استقبال گرم ویدئوهای شاهانه لیبرهای پکن از قبل پیشگرم معاون صفر حزب دمکرات مسیحی آلمان غربی و نچر لیبر محافظه کاران انگلستان که در بهار سال جاری از پکن دیدار بعمل آوردند نمونه‌هایی از این همکاری است.

امروز چین در محاسبات امپریالیستهای برای تضعیف مواضع سوسیالیسم بمقیاس جهانی و برهم زدن وحدت میان کشورهای سوسیالیستی اهمیت روز افزونی کسب میکند. گرایش خطرناک درسیاست پکن برای نزدیکی هرچه بیشتر و گسترش دایره منافع بین‌المللی «مشترک» یا «موازی» و پکن و واشنگتن و همکاری سیاسی و نظامی لیدرهای جمهوری توده‌ای چین با ارتجاع‌ترین محافل امپریالیسم امریکا، کشورهای اروپای غربی و ژاپن تشدید میشود. لیبرهای چین در ملاقاتهای خود با نمایندگان گان امریکا، بارها متذکر شده‌اند که بقیه آنها انطباق مواضع ایالات متحده امریکا و جمهوری

توده‌ای چین در اکثر مسائل بین‌المللی بسیار مهمتر از مسائل مربوط به مناسبات دو جانبه آنهاست. خط مشی پکن در زمینه عقیم گذاردن سیاست تشنج زدائی در اروپا و مخالفت‌های آن با اقدامات در باره قطع مسابقه تسلیحاتی، با خط مشی ایالات متحده امریکا در زمینه تقویت بنیه نظامی ناتو هم آهنگی کامل دارد. انطباق کامل سیاست پکن و واشنگتن در بسیاری از مسائل آسیا و آفریقا، منطقه اقیانوس هند و اقیانوس آرام کاملاً آشکار است. در این مناطق علاقه‌مندی مشترک پکن و واشنگتن به حفظ و گسترش حضور نظامی امریکا، در تضعیف مواضع کشورهای نو استقلال و رژیمهای مترقی، در ایجاد تفرقه، تضعیف و سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملی کاملاً مشهود است. از نمونه های برجسته آن کمک و پشتیبانی چین از نیروهای ضد انقلاب، نیروهای تزار پرست آفریقای جنوبی و عمل دوائر جاسوسی امریکا، در حوادث آنگولا و اقدامات تحریک آمیز آن در اختلافات میان حبشه و سومالی را میتوان یادآور شد. هم جمهوری توده ای چین و هم ایالات متحده امریکا میکوشند جنبش کشور های غیر متعهد را از سمت ضد امپریالیستی آن منحرف سازند و کشور های شرکت کننده در این جنبش را علیه متفقین طبقینشان یعنی کشورهای سوسیالیستی برانگیزند. همکاری پکن و واشنگتن در زمینه بسیاری از مسائل بین‌المللی در سازمان ملل متحد با وضوح هر چه بیشتری متجلی میگردد.

در شرایطی که مواضع سوسیالیسم جهانی در نتیجه پیروزی تاریخی خلقهای ویتنام و لاوس در آسیا

استحکام یافته، پکن نسبت به اتحاد نظامی امریکا و ژاپن و کوششهای سرمایه ژاپن برای توسعه و تحکیم مواضع خود در جنوب خاوری آسیا روش تأیید آمیزی پیش گرفته و روابط خود را با رژیمهای ارتجاعی این منطقه بر پایه مواضع ضد کمونیستی گسترش میدهد. رهبری چین مصراانه میکوشد محافل حاکمه ژاپن را به اتحاد ضد شوروی جلب کند و از ژاپن طلب میکند که در پیمان صلح چین و ژاپن ماده ای در باره «مبارزه مشترک علیه هژمونی» که منظور از آن علیه اتحاد شوروی است گنجانده شود. اخیراً میان هیئت های نمایندگی نظامی چین و ژاپن ملاقاتهایی بعمل آمده که در جریان آنها مسائل نظامی و همکاری دو کشور در این زمینه بررسی شده است. پکن ضمن ابراز تمایل به همکاری نظامی با ژاپن و اتحاد با میلیتاریسم ژاپن بر زمینه ضد شوروی و ضد سوسیالیستی از تقویت بنیه نظامی ژاپن پشتیبانی میکند.

رهبری کنونی چین به سیاست خصمانه و خط مشی تفرقه افکنانه در جنبش جهانی کمونیستی همچنان ادامه میدهد. در اسناد یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین تأکید شده است که رهبری پکن «مبارزه علیه روزیونیسم معاصر (منظور جنبش جهانی کمونیستی) را تا به آخر ادامه خواهد داد». پکن از گروههای مائوئیستی که خود در کشورهای مختلف جهان بوجود آورده بمثابة ابزار اجرای چنین سیاستی استفاده میکند. رهبری چین گروههای مائوئیستی در کشورهای خارجه را در سمت عقیم گذاردن سیاست تشنج زدائی و مبارزه علیه کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست بسیج میکند. گروههای مائوئیستی در اقدامات

هم آهنگ خود با محافل تبلیغاتی بورژوازی در فعالیت سیاسی و مبارزات طبقاتی احزاب کمونیست خرابکاری میکنند و به اقدامات تحریک آمیز بنفع ارتجاع و در جهت ایجاد تفرقه در صفوف مبارزان راه آزادی و ترقی اجتماعی دست میزنند. این گروهها به بهترین افزار ضد کمونیسم در میانه‌های ملی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این نقش را در چهاره مائوئیستیهای ایرانی بنحوی روشن میتوان دید. مائوئیستیهای ایرانی به پیروی از سیاست پکن در همکاری با محافل ارتجاعی و امپریالیسم جهانی از فعالیتهای خرابکارانه در نهضت مترقی ایران و مبارزه ضد رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه، کار را به دفاع آشکار از سیاست نظامیگری و معاملات دهها میلیارد دلاری اسلحه رژیم کشانده‌اند و آنرا چنین توجیه میکنند: «عامل اصلی که رژیم را اینچنین سراسیمه ساخته و او را به اتخاذ یک چنین سیاست تسلیحاتی واداشته، تحریکات شوروی در منطقه خلیج فارس است که از جانب این ابر قدرت حیات یکایک کشورهای ساحل خلیج فارس را تهدید میکند».

سیس در تشریح و استدلال این «نظریه» به دفاع از مواضع امپریالیسم امریکا و سیاست تسلیحاتی آن می‌پردازند: «در نتیجه تغییرات و تحولات اوضاع، امپریالیسم امریکا بپایه سر کرده امپریالیسم غرب امروزه موقعیت خود را از دست داده و از لحاظ استراتژیکی در قبال رقیب خود یعنی ابر قدرت شوروی در حالت دفاعی قرار گرفته است. امپریالیسم امریکا بویژه پس از شکست در هندوچین دیگر در موقعیتی نیست که همانند گذشته رأساً و بطور مستقیم از مناطق نفوذ خود نگه‌داری کند... در چنین شرایطی است که کشورهای که تا کنون حفظ امنیت خود را در گرو امریکا قرار داده بودند مجبور گشته‌اند در قبال واقعیات موجود جهان و موقعیت کنونی امریکا ظرفیت دفاعی خود را برای حفظ موجودیت خود بالا برند. این وضع در مورد شاه و رژیم ایران نیز صادق است... این استدلال مائوئیستیها توجیهی است برای دگرپن یکسون در باره ایجاد ژاندارمهای منطقه ای بوسیله رژیمهای دیکتاتوری و ضد خلقی با هزینه های تسلیحاتی به حساب درآمدهای خلقهای منطقه با مأموریت پاسداری مواضع سیاسی و نظامی امریکا و سرکوب جنبش های رهایی بخش و در عین حال تیره رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده مانند رژیم محمد رضا شاه که این نقش را بعهده میگیرند.

و اما در مورد «تغییرات و تحولات» که مائوئیستیهای ایرانی به آن استناد میکنند و موجب تضعیف امپریالیسم امریکا بویژه پس از شکست آن در هندوچین گردیده، تغییر در تسلط نیروها در صحنه جهانی است که به برکت وجود جامعه کشورهای سوسیالیستی و درجه‌اول اتحاد شوروی و کابینه‌های جنبشهای

موج جدید نظامیگری

قرار خواهد گرفت. اطلاعات تصریح میکند که این اقدامها «شورای امنیت ملی امریکا» (که برژنفسکی بر رأس آن قرار دارد) و استراتژیستهای امریکا (یعنی پنتاگون) از کارتر دفاع خواسته‌اند. بخشنامه سری امضاء شده به وزارت دفاع امریکا ارسال گردیده‌است. امریکا در این ناحیه نیروهای خواهد داشت که آماده مقابله با هر گونه تجاوز باشند. هم اکنون تعداد این نیرو در ایران به بیش از سی هزار نفر و در جندار امریکائی رسیده است.

پس معلوم میشود هدفهای غارتگرانه امپریالیسم و ما جرابجویی جنگ طلبانه شورای امنیت ملی امریکا، و استراتژیستهای این کشور و رئیس سیا در سالارترنر، در منشاء این واقعت شوم و وحشتناک قرار دارد که ایران بیش از هفتاد در صد اسلحه صارتی امریکا را میخرد و نه «نیاز ایران» به جنگ میهنی، و یا خطر «تجاوز احتمالی».

درست بهمین جهت روزنامه «ایزوستیا» در پانزدهم شهریور سال جاری در مقابل نقشه های نوین امپریالیستها در خاور میانه موضع گیری میکند و مینویسد که امریکا در صدد «بسط حضور نظامی خود در منطقه خلیج فارس است». «ایزوستیا مینویسد: «در سالهای اخیر رؤسای پنتاگون به منطقه خلیج فارس دائماً توجه بیشتری معطوف میدانند و در نتیجه تحویل وسائل جنگی بسیار متنوع به میزان عظیمی به کشورهای این منطقه» اکنون خلیج فارس به محل تمرکز عجیب اسلحه ملین مبدل شده است. «ایزوستیا» مینویسد که پنتاگون نقشه وسیعی برای ایجاد شبکه ای از پایگاههای نظامی در این ناحیه دارد تا منافع انحصاری نفوذ امریکا را در این بخش از جهان تأمین کند.

وقتی شاه از «جنگ میهنی» سخن میگوید، وقتی در مصاحبه با امیر طاهری سر دبیر کیهان از آن دم میزند که اگر در ایران اتفاقی بیفتد دنیا نابود خواهد شد، اشارات این حامی جنگ سر سوخته منافع امپریالیستی، بهمین هدفهاست که پنتاگون و سیا موافق مصالح شرکتهای نفتی امریکا معین میکنند، و کاس سقید زیر آنرا امضاء میکنند و سرانجام بصورت نقطه‌ای پر حرارت «شاهنشاه ایران زمین» در می‌آید!

رهائی بخش ملی در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، حاصل شده و یک پدیده انقلابی تاریخی است.

پیروزی تاریخی خلقهای ویتنام و لاوس و کامبوج بر امپریالیسم امریکا نیز با پشتیبانی و کمکهای همه جانبه و قاطع کشور های سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی از مبارزات قهرمانانه خلقهای این کشورها بدست آمده که موجب تضعیف امپریالیسم امریکا گردیده است. اما مائوئیستیهای ایرانی با تحریف این واقعیات و اطلاق «سوسیال امپریالیسم» به اتحاد شوروی به نتیجه گیری دلفرواه خود میرسد تا بتوانند بر آن اساس در مقام دفاع علی از رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی محمد رضا شاه و حامیان امپریالیستی او بآیند.

مائوئیست های ایرانی بیهوده میکوشند چهره واقعی خود را در پس پرده این شعبده بازیهای لفظی پنهان کنند، زیرا حتی در آن دورانی که مائوئیسم با تقاب انقلابیگری از خاور «طالع» کرد «آفتاب سرخ» نوری نداشت و چهره واقعی آن هویدا بود. حالا که دیگر در راست ترین جناح ارتجاع در بلختر جلی واقعی خود را یافته، بطریق اولی نمیتواند چهره واقعی خود را مستور کند.

تفسیری که در روزنامه «مرکوری» چاپ شیلی در باره نتایج کار یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین انتشار یافته نمونه نمایان دیگری است که سیاست چین در جهان معاصر به چه نیروهای خدمت میکند. روزنامه «مرکوری» وابسته به مراکز قدرت در شیلی و یکی از بلندگوهای خونتائی فاشیستی شیلی است. این تفسیر خط مشی سیاسی لیدر های پکن که در کنگره تأیید شده مورد ارزیابی تحسین آمیز قرار گرفته است. در تفسیر از محافل حاکمه چین که قصد دارند چین را با استفاده از نوع ویژه مارکسیسم به «دولت ناسیونالیستی مقتدری» تبدیل کنند ستایش شده است. تمایل رهبری چین در زمینه تشدید تملکات جنگی بیش از هر چیز بمذاق خونتائی فاشیستی شیلی خوش آمده است. سفیر جدید خونتائی شیلی در پکن نظر روزنامه مرکوری را تسکین کرده

مبارزه را گسترده تر

ولی اقدامات خشن و غیر انسانی رژیم زحمتکش خارج از محدوده، را از مبارزه باز بلکه بر حلت این مبارزه و شدت مقاومت افزود.

شکست مفتضحانه برنامه‌های اقتصادی رژیم، که گرانی و کمپایی و نابایی و بخصوص بیساخته هزینه مسکن از عوارض ناگزیر آن خود آن در وهله اول به چشم زحمتکشان میرا زحمتکشان را در مبارزه خود بلزهم پیگریتر و نمود. بخصوص تلاطمی که در نتیجه جابجائی مهرها در دستگاه دولتی بمنظور ترمیم و تعدیل منفی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ناشی از شک بوجود آمد (با دست کم انتظار بوجود آمدن میرفت) «ساکتین خراج از محدوده را در اقدام چه در زمینه خانه سازی بدون پروانه وجه در کار جمعی در مقابل مأموران» تشجیع نمود. تمام عوامل هستند که همراه با احساسات برانگیختا رژیم را به یک چنین عقب نشینی وادار ساختند. اطلاعات با اشاره به فشار دولت به ساکتین - محدوده و عکس العمل آنان و نیز عقب نشینی چنین نوشت: «نتیجه چنین فشاری» خواه و انتقاد خواهد بود، چنانکه دیدیم. اما اکنون دولت با سیاسی عاقلانه و مدبرانه جلوی آن گرفته است.

تجربه مبارزه ساکتین خراج از محدوده نشان میدهد که مبارزه متحد و اقدامات جمعی، ولو سطح ابتدائی از تشکل، با بهره برادری سد بموقع از شرایط مساعد، چگونگی میتواند نتایج در مبارزه با رژیم خونخوار محمد رضا شاهی بیار ولی زحمتکشان نباید به نتایج بدست

اکتفا کنند. آنان باید دامنه خواستها و خود را گسترده تر سازند. زحمتکشان خارج از های شهری، در شرایط مشخص کنونی باید مبار را برای تحقق خواسته‌های زیرین ادامه دهند:

— وادار ساختن دولت به اعطای کمکهای فنی بمنظور احداث خانه‌های مجهز و بهداشتی

— وادار ساختن دولت به تأمین آب و مراکز بهداشتی و آموزش و وسایل ارتباط و سایر خدمات شهری

— مبارزه در راه پایان دادن به آلودگی و زائنه نشینی، کپرنشینی و واداشتن دولت به خانه‌های مناسب برای این قبیل «حاشیه‌نشینان»

— واداشتن دولت به پایان دادن به بورس با خراج از محدوده و کوتاه کردن دست «صا بزرگ اراضی خارج از محدوده»

— تعمیم اقداماتی که در مورد ساکتین خارج از محدوده تهران انجام گرفته و میگیرد به سایر خراج از محدوده سایر شهرها

ساکتین خارج از محدوده‌ها که عده آنان در تهران به صدها هزار میرسد (به رویای حتی از یک میلیون نفر) باید دست در دست هم کمک سایر زحمتکشان برای تحقق خواسته‌های مبارزه کنند. پیروزی ساکتین خارج از محدوده میتواند درسی الهام بخش برای آنان باشد.

م

اظهار میکند: «روابط با جمهوری توده ای چین شلی بسیار امیدوار کننده است، زیرا چین «دوست قوام خود را نسبت به واقعیت کشور ما بنحوی در نظر نشان داد».

اسناد یازدهمین کنگره حزب کمونیست و اقدامات رهبری کنونی چین به پرش در باره مواضعی سیاست خارجی چین پس از مائو پاسخگو داده و جلی سردید باقی نمیگذارد که خط سیاسی چین همچنان از تمایلات هژمونیستی سوسیالیستی و ضد انقلابی مایه میگیرد و بر صلح و تشنج زدائی بین المللی معطوف است. است که چنین سیاستی از جانب جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش جهانی کمونیستی و همه های ترقی خواه و هوادار صلح محکوم است.